

هویت‌یابی با داستان سرایی در کودکان پیش‌دبستانی

● مقصود خدایاری

رئیس اداره آموزش پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی استان زنجان

چکیده

شناخت هویت و آگاهی از خود، در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی به دلایلی نظیر تأثیر آن بر انسجام اجتماعی، توسعه، امنیت، قدرت ملی، بحران‌های سرزمینی و منطقه‌ای، سیاست‌گذاری‌های قومی، ملی و آموزشی دولت و بسیاری متغیرهای دیگر، نیازمند رصد دائمی و بازنامی موشکافانه و مداوم است. تعمیق آگاهی از شکل و محتوای هویت عامه و به‌ویژه کودکان ایران اسلامی می‌تواند در تبدیل بحران هویتی حاضر به سلامت روان و غنای اندیشه تأثیر بگذارد و مبنایی برای رفع کاستی‌ها و معایب از هویت ملی ایرانیان شود. در مقاله حاضر، هویت روایی به‌ویژه در ارتباط با کودکان دوره پیش‌دبستانی بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت ملی، هویت روایی
کودکان پیش‌دبستانی

قالب خواسته‌های خود بریزد و شکل دهد. مطابق نظر اریکسون، معمای هویت - یعنی اینکه کسی ممکن است که باشد یا که بشود - به شکلی گیج‌کننده گریبان کودکان جوامع پیشرفته شهری را گرفته است. وی معتقد است که سازوکار (مکانیسم)‌های سازگاری، که زمانی در گذشته راه را برای انطباق تکاملی و جاافتادن در قبیله و انسجام کاست‌ها و همگونی ملی هموار می‌کردند، اکنون در تمدن صنعتی معلق و بلا تکلیف مانده‌اند. کودکان چون از امکان مشارکت در ضرباهنگ موروثی اجتماعی - یعنی ورود گام به گام به زندگی بزرگ‌سالی - محروم مانده و عمدتاً در محیط‌های آموزشی‌های جدا از زندگی واقعی محصور شده‌اند، ناگزیر باید بدون راهنمایی هر سنت قابل استفاده‌ای، راه خود را در تاریکی به سوی خودآگاهی بیابند. به عبارت دیگر، آنان در دل خشونت و سخت‌گیری‌های خاص روزگار معاصر رها شده و یا به دامان دنیایی رانده شده‌اند که چنان که باید، برای ورود به آن آماده نیستند (هیوز، ۱۳۷۶).

هویت ملی

نظام معنایی هویت، از طریق تعاملات اجتماعی، عضویت در گروه‌های اجتماعی و سیاسی و رفت‌وآمد در میان شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی جهانی، پیوسته مورد بازبینی و بازتعریف قرار می‌گیرد. در این خصوص، جهت‌گیری و رفتار فرد، به انواع هویت‌های ادراک‌شده او در زندگی روزمره بستگی دارد. از سوی دیگر، باید گفت هویت‌هایی که در ابتدای حیات فرد شکل می‌گیرند، مانند خویشن، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت، هویت‌های اولیه‌ای هستند که در مراحل بعدی زندگی نسبت به هویت‌های ثانویه (هویت اجتماعی) اندکی مستحکم‌تر و در برابر دگرگونی انعطاف‌ناپذیرترند (بیات و یوسفی، ۱۳۹۴).

هویت ملی، یعنی سخن گفتن درباره ویژگی‌های یک ملت به همراه احساس تعلق، تعهد و وابستگی عاطفی و ذهنی به نمادها و عناصر ویژه و امتیازدهنده به آن ملت، در این رابطه، فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق به عناصر و نمادهایی نظیر تاریخ، سرزمین، دین، مفاخر فرهنگی، دولت، زبان و ادبیات ملی می‌داند و در مقابل آن‌ها احساس افتخار، تعهد، وفاداری و یا تکلیف می‌کند. این آگاهی به‌عنوان زبانی مشترک و بر مبنای یک

امروزه سؤال کردن درباره هویت خود، به دست آوردن شناخت و آگاهی نسبت به آن و کسب اطلاع از شباهت خود به دیگری و تمایز از او، در کنار احساس تعلق به مجموعه مشابهی از خودی‌ها و احساس تفاوت با دیگران متفاوت یا غیرخودی‌ها به محور مباحث فکری، فلسفی، اجتماعی و سیاسی معاصر تبدیل شده است. بررسی آثار پژوهشی این حوزه معلوم می‌سازد که هویت پدیده‌ای است پویا، متغیر، چند بعدی، ترکیبی، سیال با ساختی انباشتی و ذهنی، که از دیالکتیک میان فرد و جامعه سر بر می‌آورد. هر ساختار اجتماعی، سلسله مراتبی از ارزش‌ها را به افراد خود القا می‌کند. در این میان، شناخت و راه‌یابی به چگونگی شکل‌گیری هویت در کودکان، حتی با مخاطرات بیشتری مواجه می‌شود. انعطاف‌پذیری وضعیت کودکی باعث می‌شود که هر فرهنگ و نهادی تا اندازه بسیار زیادی از طریق فرمان‌برداری و انطباق اجتماعی، شخصیت کودک را در





کودکان و هویت ملی

شناخت هویت و آگاهی از خود ملی در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی به‌ویژه گروه کودکان، به دلایلی نظیر تأثیر آن بر انسجام و وفاق ملی، توسعه، امنیت، قدرت ملی، بحران‌های سرزمینی و منطقه‌ای، سیاست‌گذاری‌های قومی، ملی و آموزشی دولت و بسیاری متغیرهای دیگر، نیازمند رصد دائمی و بازتابی موشکافانه و مداوم است اما برای این منظور، باید دانست که امروزه جامعه‌شناسی کودک بر خلاف نظریه‌های مبتنی بر روان‌شناسی تحولی، کودکان را بزرگ‌سالانی ناقص یا نابالغ نمی‌شمارد که برای رسیدن به یک غایت آرمانی و تخیلی، مدتی در چنبر رشد شناختی، جسمی، عاطفی و اجتماعی گرفتار می‌شوند (مک‌دونالد، ۲۰۰۷).

اگر کودکان را به‌عنوان یک گروه اجتماعی و نهاد فرهنگی و بخشی از نظام اجتماعی به رسمیت بشناسیم، از لحاظ منطقی آن‌ها را در مقام عوامل و کنشگرهای اجتماعی صاحب حق تلقی خواهیم کرد. از این منظر، در بحث

فرهنگ عمومی، یعنی نظامی از ایده‌ها، نشانه‌ها، معاشرت و رویه‌های رفتاری مشترک، در میان اعضای یک گروه ملی به رسمیت شناخته می‌شود. با این حال، نباید تصور کرد که هویت ملی، مقوله‌ای از پیش ساخته، دارای نظم طبیعی، زیستی و موروثی و پایدار است.

چالش‌های هویت ملی

امروزه با توجه به ماهیت پیچیده شبکه‌های مجازی و نفوذ آن‌ها در میان مردم، رواج دادن گفتمان رسمی هویت ملی در جامعه و سازگار نبودن احتمالی این گفتمان با گفتمان‌های رقیب، به بحران هویت و ناکارآمدی حاکمیتی دامن می‌زند. افزون بر این، با رواج مفاهیمی تازه در روابط بین‌الملل همچون دهکده جهانی و شکل‌گیری انواع اتحادیه‌های تجاری، سیاسی، نظامی و غیره باید پذیرفت که ابهام، به یکی از ویژگی‌های سرشتی مفهوم هویت ملی تبدیل شده است.

اکثر نظریه‌های هویت‌روایی، یک خود گذشته را که به‌طور پس‌نگرانه‌ای از موضع اکنون تعریف شده است، فرض می‌گیرند اما بر این نکته تأکید می‌ورزند که «هویت» تعریف شده در یک موقعیت‌روایی، صرفاً داستان یک خود گذشته نیست بلکه مهم‌تر از آن، ارزیابی‌های پس‌نگرانه از همان تجربه‌ها می‌تواند گذشته را به حال پیوند بزند. یک داستان واحد از زندگی، بسته به وضعیت زمانی، مکانی و موقعیت ارتباطی راوی، می‌تواند به چندین شیوه ممکن گزارش شود.

در مجموع، باید گفت که در تمام فرهنگ‌های شناخته شده بشری می‌توان قصه‌گویی را مشاهده نمود. این ایده که مردم با درست کردن قصه درباره زندگی، هویت خود را ایجاد می‌کنند بیش از دو دهه است که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی مطرح شده است.

هویت‌روایی در کودکان

کودکان از دو سالگی که زبان باز می‌کنند، قادرند با عبارات یک یا دو کلمه‌ای، به تجارب گذشته خود ارجاع دهند. این ارجاع‌ها ارزیابی‌کننده و عاطفی هستند و بذریعگی را در ذهن کودک می‌پراکنند. کودکان بعد از سه سالگی به تدریج نقل روایت‌های منسجم، ساده و متشکل از رویدادهای محدود را به شنونده‌های خوش‌باور شروع می‌کنند. این روایت‌ها در میانه دوره کودکی و تا اوایل دوره نوجوانی تا حدودی پیچیده‌تر و جالب‌تر می‌شوند. در این میان، کودکان به خود رویدادهایی که در این روایت‌ها تعریف می‌شوند، چندان اهمیت نمی‌دهند. آنچه برای آنان اهمیت دارد، نفس ارتباط و معنایی است که از آن رویدادها ابداع و رد و بدل می‌شود (ریس و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، والدین، اطرافیان، مراقبان و مربیان کودک نقش حمایتی مهمی در شکل‌گیری هویت‌روایی و توان معناسازی او از روایت‌های نقل‌شده ایفا می‌کنند. تعلق خاطر اطمینان بخش کودک به والدین و اطرافیان و گفت‌وشنود درباره خاطرات خوش گذشته، زمینه مناسبی را برای درونی‌سازی روش‌های ارزیابی خاطرات و تجارب گذشته در کودک فراهم می‌سازد. این مفهوم را با استعاره «حاطه‌گری»، بهتر می‌توان توضیح داد. احاطه‌گری یعنی توانایی احاطه بر احساسات اضطراب‌آور کودک، معنا دادن به آن‌ها و بازگرداندنشان به کودک در زمان مناسب، به صورتی که برای کودک قابل کنترل باشد. برای مثال، مادر هنگام گریه فرزندش نگران می‌شود اما در عین حال می‌فهمد که کودک در حال بیان نیازی است که می‌توان درباره آن اندیشید. بنابراین، او می‌تواند از طریق پاسخ‌هایی مثل در آغوش گرفتن کودک، با وی ارتباط برقرار کند. تعریف روایت‌های زندگی، سهیم بودن در ماجراهای آن‌ها و به یاد آوردن آن‌ها نیز می‌تواند نقش احاطه‌گری داشته باشد. کودک به کمک روایت‌ها می‌فهمد که کیست و چگونه می‌تواند با احساسات دشوار کنار آید، در مورد آن‌ها بیندیشد و درکشان کند. در مقابل، کودکان منزوی فاقد روایتی از زندگی

از هویت ملی کودکان باید گفت که آنان فاقد جنبه‌های شناختی هویت ملی، به معنای آگاهی فرد از وجود یک گروه ملی و باور به عضویت داشتن در آن گروه هستند اما به جای آن می‌توانند از قلمرو جغرافیایی خاص و نشانه‌های ملی از جمله آداب و رسوم، شخصیت‌ها و مکان‌ها، در قالب روایت‌های موجود یا خودساخته، شناخت کسب کنند. البته کیفیت این شناخت، براساس مباحث پیش‌گفته و بسته به گروه‌های مختلف کودکان ایرانی از لحاظ زبان، قومیت، طبقه اجتماعی، باورها، و موقعیت جغرافیایی کوچک درون یک موقعیت جغرافیایی بزرگ‌تر متفاوت خواهد بود (مثلاً کودکان پایتخت‌نشین، شهرستان‌نشین و شهری و روستایی و غیره). در این رابطه، تردیدی نیست که تحقیقات روایت‌محور در حوزه هویت‌های کودکان و همین‌طور، تعمیق آگاهی مربیان پیش‌دستانی از شکل و محتوای انواع هویت کودکان ایران اسلامی، که در قالب روایت امکان بروز پیدا می‌کنند، می‌تواند در تبدیل امر واقع بیماری به امر مطلوب سلامت روان تأثیر بگذارد و در نهایت، مبنایی برای رفع کاستی‌ها و معایب از هویت ملی هم‌وطنان شود.

هویت‌روایی

اگر اخبار و اطلاعاتی را که از دور و نزدیک به ما می‌رسند، همچون داستان‌هایی تعبیر کنیم که از زاویه دید ویژه‌ای ارائه شده‌اند. اتفاقات جهان و محیط پیرامون مدام پیش چشممان ما گسترده است و همواره خطوط داستانی مجزایی شکل می‌گیرند که فقط وقتی می‌توانیم آن‌ها را به هم وصل کنیم که در قالب‌های ذهنی خود و از دیدگاه‌های گوناگون به آن‌ها بنگریم. در این خطوط داستانی، هر یک از ما حس می‌کنیم که گذشته‌ای خاص و امید به آینده نهفته است. بر این اساس، هر نسل و ملتی به فراخور شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، جهت شناخت خود، کسب هویت و درک دنیای پیرامونش به‌طور مستمر روایت می‌سازد و روایت دریافت می‌کند.

بنابراین، پیچیدگی زندگی انسان با تعدد تغییراتش، که در گذر محض زمان ایجاد می‌شود، اگر در قالبی روایی قرار بگیرد، قابلیت درک و فهم بیشتری پیدا می‌کند. ما عموماً زندگی‌نامه‌های خود و دیگران را به همان طریقی درک می‌کنیم که داستان‌ها را می‌فهمیم؛ یعنی با پیگیری یک پیرنگ و قهرمان برجسته شده در آن. در روایت‌های کودکان و زندگی‌نامه‌ای، اغلب وانمود می‌شود که هویت راوی همان هویت شخصیت است. در این رابطه، آنچه شخصیت‌ها را برای مخاطب بازشناختنی می‌سازد، توالی نظم‌یافته‌ای از رویدادهایی است که شخصیت‌ها در آن برجسته می‌شوند (دانشنامه روایت‌شناسی، ۱۳۹۱).

از منظر فهم روایی، هویت ناظر بر اتفاقات زندگی یک شخص است تا بر نوعی کیفیت ذاتی - ماهوی، که شخص را تعریف می‌کند. بنابراین، یک شخص تا جایی که هویتش توسط کنش‌هایش شکل می‌یابد، یک عامل یا کنشگر است.

کودک به کمک روایت‌ها می‌فهمد که کیست و چگونه می‌تواند با احساسات دشوار کنار آید، در مورد آن‌ها بیندیشد و درکشان کند

خود هستند. آن‌ها از تجارب دل‌بستگی خود، مفهومی برای عمل شخصی خویش در جهان حاصل نمی‌کنند. در نتیجه، از پذیرش مسئولیت یادگیری خود یا داشتن برنامه‌ای که در یادگیری به آن‌ها کمک کند، ناتوان‌اند (وایت برد، ۱۳۸۹). علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعریف داستان توأم با راه‌یابی به درون و برون داستان زندگی شخصی، تأثیر زیادی بر کودکان دارای مشکلات عاطفی دارد. این کودکان با روایت داستان خود برای افراد بزرگسال فهمیده، که آماده گفت‌وگو با کودکان و رابطهٔ صمیمانه‌ای با وی برقرار می‌کنند، تجربه و داستان را در خلال این فرایند در هم می‌آمیزند و مفاهیم جدیدی همراه با بازی فرا می‌گیرند. وقتی کودک بداند که کسانی پیام‌های داستانش را درک می‌کنند و می‌پذیرند، برانگیخته می‌شود که به تعریف داستان‌های بیشتری بپردازد و دربارهٔ آن‌ها فکر کند. گرچه درست نیست به‌طور ساده‌انگارانه کودکان را صرفاً از طریق افسانه‌هایشان تفسیر کنیم، می‌توانیم درک خود از مفاهیم و پیام‌های داستان را به وسیلهٔ پاسخگویی مشابه انتقال دهیم. وقتی مخاطب، داستان‌های کودکان را در سطح نمادین می‌پذیرد، ارتباط و اندیشه‌های نمادین و نیز زمینه‌های برایشان فراهم می‌سازد که با توسعهٔ آن‌ها، می‌توانند دربارهٔ تجارب شخصی خود به شیوه‌ای متفاوت به تفکر بپردازند و توان نمادسازی خویش را تقویت کنند (وایت برد، ۱۳۸۹).

توانش روایی کودکان و هویت روایی آنان در دو دههٔ اخیر توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. رشد توانش روایی به توسعهٔ آگاهی از خویش و هویت فرد کمک می‌کند. در پژوهشی دیگر (وارنر، ۲۰۱۰)، تصریح شده است که کودکان با مشارکت در تعریف خاطرات و رویدادهای زندگی که با همسالان خود در آن رویدادها شرکت داشته‌اند، فرصت می‌یابند که آن‌ها را از منظر متفاوتی مشاهده کنند. این امر ضمن ایجاد زمینه‌ای برای همدلی، درک آن‌ها را از خود و هویت خویش گسترش می‌دهد. در نتیجه، وقتی کودکان با این تجارب روایی به دوران نوجوانی و بزرگسالی پا می‌گذارند، با توانمندی و دقت بیشتری می‌توانند داستان‌های هویت‌ساز زندگی خود را دربارهٔ نقاط عطف و شرایط نامتعارف، مانند کامیابی یا ناکامی‌های بزرگ، تغییرات شگرف، تصمیمات سرنوشت‌ساز، اولین تجربه‌ها در زندگی و غیره، تعریف کنند و نشان دهند که چگونه آن فردی شده‌اند که اکنون هستند. کودکان روایت‌های خود را بیشتر با پدر و مادر، بستگان و مربیانشان در میان می‌گذارند ولی وقتی بزرگ‌تر شدند، همسالان جای پدر و مادر و اعضای فامیل را می‌گیرند.

نتیجهٔ مباحث

کسانی که نتوانند داستان‌های خوبی از زندگی خود بگویند، دربارهٔ آن‌ها بازاندیشی کنند یا با آن‌ها به شوخی بپردازند، قادر نخواهند بود معنا و هویتی مناسب برای خود یا دیگران خلق کنند.

این نوع روایت‌ها ضمن نشان دادن هویت، آن را نیز می‌سازند (ایبارا و باربولسک، ۲۰۱۰). ایران با توجه به گذشتهٔ پرفراز و نشیب و مشاهدهٔ حال پرتلاطم و پراز و رمزش، کشوری است روایت‌خیز و روایت‌ساز و بیش از هر زمان دیگری تشنهٔ یادگیری نظریه و علم روایت است. در این رابطه، با توجه به شکل‌گیری شخصیت و هویت کودکان در دورهٔ پیش‌دبستانی، می‌توان به فن روایت، جهان اجتماعی و روابط قدرت مستتر در روایت‌های کودکان و مربیان دقیق شد و عناصر نهفته در موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را که باعث خلق این روایت‌ها شده‌اند، تحلیل نمود. همچنین، به منظور آگاهی از ساخت هویت در میان کودکان پیش‌دبستانی باید دید که داستان ایرانی بودن کودکان در محتواهای آموزشی و فعالیت‌های ده‌گانهٔ پیش‌دبستانی چگونه روایت می‌شود. درست است که کودکان پیش‌دبستانی از طریق بازی و کشف و توسعهٔ توانایی‌های فراشناختی خود و با استفاده از کنجکاوی طبیعی خویش برای یادگیری، از جهان آگاهی و اطلاعات کسب می‌کنند ولی این در صورتی است که محیط به‌صورت بهینه توانمندساز باشد و مربیانی با رویکرد آزادانه و آگاهانه، همدل و متفکر به کار با آن‌ها بپردازند.

منابع

۱. اسکات، ولور. (۱۳۷۸). دیدگاه‌های نقد ادبی. مترجم: فریبرز سعادت. چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.
۲. بارت، مارتین. (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی. مترجم: محمود شهبانی. مجلهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی، شمارهٔ ۲.
۳. برگر، پتر و لوکمان، توماس. (۱۳۷۵). مترجم: فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. بیات، حسینی و یوسفی، جمیله. (۱۳۹۴). روند بازنمایی هویت خودی و دیگری در تاریخ بیهقی، مجلهٔ مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهشنامهٔ انجمن ایرانی تاریخ، سال ۷، شمارهٔ ۲۶، زمستان.
۵. رابع، محمد. (۱۳۹۱). دانشنامهٔ روایت‌شناسی. چاپ اول. تهران: نشر علم.
۶. زهرموند، سعید و رحیمی، منصور. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان انتقادی هویت بر اساس روش فر کلاف، فصلنامهٔ مطالعات نظریه و انواع ادبی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری، سال دوم، شمارهٔ ۴.
۷. سریع القلم، محمود. (۱۳۸۳). مفهوم‌شناسی هویت ملی. تهران: مؤسسهٔ مطالعات ملی.
۸. هیوز، استیوارت. (۱۳۷۶). هجرت اندیشهٔ اجتماعی. مترجم: عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
۹. وایت هد، دیوید. (۱۳۸۹). مبانی روان‌شناختی آموزش برای همه. مترجمان: محمود تلخایی و مقصود خدایاری. تهران: نشر آبیژ.

10. Ibarra, Herminia and Barbulescu. 2010. Effectiveness and Consequences of Narrative Identity work. Academy of Management Review. Vol. 35, No. 1
11. McDonald, Catherine (2007). The Importance of Identity in Policy: The case for and of children Paper presented to SPRC Workshop UNSW 10 & 11 October 2007
12. Macintyre, Alasdair. (1985). After Virtue: A Study in Moral Theory. Notre Dame: Notre Dame University Press.



پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعریف داستان توأم با راه‌یابی به درون و برون داستان زندگی شخصی، تأثیر زیادی بر کودکان دارای مشکلات عاطفی دارد